



مشخصات لایحه

دوره هشتم - سال دوم

شماره ثبت:

۳۴۶

شماره چاپ:

۸۲۴

تاریخ چاپ:

۱۳۸۸/۶/۱۵

نام دفتر:

مطالعات حقوقی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۹۹۰۴

تاریخ انتشار:

۱۳۸۸/۷/۲۱

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقتنامه استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان»

مقدمه

حقوق کیفری یکی از ابزارهایی است که دارای کارکردی فردی اجتماعی است. در سطح فردی ایجاد عدالت از یکسو و بازسازی مجرم از سوی دیگر مورد نظر است و در سطح اجتماعی کارکردی امنیت محور مورد توجه قرار گرفته است. از این رو یکی از دغدغه‌های اصلی هر دولتی محسوب می‌گردد. بر این اساس برای بالا بردن میزان تأمین اهداف فوق‌الذکر همکاری و معاضدت در امور کیفری در دستور کار دولت‌ها قرار می‌گیرد.

قدیمی‌ترین شیوه این همکاری معاهدات استرداد مجرمین است که در کشور ایران قدمتی ۸۷ ساله دارد^۱ و تعداد نسبتاً زیادی از آنها تاکنون منعقد گردیده‌اند. این موافقتنامه‌ها در کنار قانون راجع به استرداد مجرمین که به شرط معامله متقابل اجرا می‌گردد، چارچوب اصلی نظام حقوقی ایران را در این خصوص تشکیل می‌دهد. موافقتنامه پیش‌رو نیز یکی از انواع این موافقتنامه‌هاست که به‌نظر می‌آید براساس الگوی نسبتاً ثابتی تنظیم می‌گردند. این موافقتنامه در کنار دستاوردهای مثبت آن خالی از ایراد و انتقاد نیست. اما به هر حال داشتن همین موافقتنامه با کشوری که مهاجران آن تا مدت‌ها در جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند، خود گامی مثبت ارزیابی می‌گردد.

آثار لایحه

انعقاد چنین موافقتنامه‌ای می‌تواند سرعت استرداد مجرمان و محکومان را بالا برد. اما شرایط موافقتنامه‌های استرداد این‌گونه است که اتباع طرف درخواست‌شونده (استرداد) را شامل نمی‌شود. به‌نظر می‌رسد آنچه در مورد کشور افغانستان بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد، زمینه‌سازی برای استرداد و یا حداقل محاکمه و مجازات اتباع این کشور است که جرائمی را در ایران مرتکب شده‌اند و اکنون در ایران نیستند. موضوع قاچاق مواد مخدر یکی از جرائمی است که در مرزهای شرقی توسط اتباع این کشور صورت می‌گیرد.

در عمل راه حلی که در معاهدات استرداد، برای مسئله جرائم ارتكابی توسط اتباع طرف معاهده در نظر می‌گیرند این است که عدم استرداد اتباع را منوط به محاکمه و مجازات آنها در محاکم ملی می‌کنند و از طریق معاهده استرداد تعهدی بین‌المللی در محاکمه اتباع برعهده کشورها قرار می‌گیرد. البته این خلأ را شاید بتوان با قاعده «محاکمه کن و یا استرداد کن» جبران کرد. اما اولاً این قاعده محدودیت‌ها و شرایط خاص خود را دارد و به سختی بتوان آن را در این مورد اعمال نمود و ثانیاً این قاعده با وجود آنکه در چندین پرونده از جمله در دعوی بلژیک - سنگال مورد استناد قرار گرفته، هنوز نتوانسته جایگاهی عرفی در حقوق بین‌الملل پیدا کند و با توجه به دستور موقت دیوان دادگستری بین‌المللی در پرونده اخیرالذکر به‌نظر نمی‌رسد چنین جایگاهی پیدا نماید. علاوه بر این، قاعده محاکمه کن یا استرداد کن نظر مثبت کشورهای در حال توسعه را به خود ندیده است. لذا در پیش گرفتن راه حل فوق‌الذکر یعنی، گنجاندن تعهد به محاکمه و مجازات در موافقتنامه استرداد اولویت دارد که در موافقتنامه فوق دیده نمی‌شود.

البته ماده (۹) موافقتنامه همین موضوع را به‌طور کلی مورد توجه قرار داده است و محاکمه در صورت امتناع از استرداد را با قید «می‌تواند» به صلاحدید کشور مقابل واگذار کرده است. اما لازم است در این مورد خاص یعنی استرداد اتباع، تعهد به محاکمه گنجانده شود.^۲

۱. در سال ۱۳۰۱ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق منعقد گردید.

۲. ماده (۱۹) موافقتنامه همکاری قضایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان نیز به این مسئله توجه داشته است که محدودیت‌های خاص خود را دارد و اجرای آن همواره ممکن نیست.

ارزیابی مواد لایحه

۱. ماده (۱) این موافقتنامه بیان می‌دارد: «هر یک از طرفین متعاهدین متعهد می‌شوند که حسب تقاضای طرف متعاهد دیگر اشخاصی را که از طرف مقامات صلاحیتدار طرف متعاهد درخواست‌کننده به لحاظ ارتکاب جرم یا برای اجرای مجازات تحت پیگرد بوده و در قلمرو وی یافت می‌شوند؛ به طرف متعاهد دیگر مسترد دارد».

با وجود آنکه به نظر می‌رسد، تعهد موضوع این ماده در کنار سایر مواد موافقتنامه باید دیده شود، در این ماده آنگونه که معمول است^۱ اشاره‌ای به قید «با رعایت مواد این موافقتنامه» نگردیده است، جمله‌ای که بار و اثر حقوقی دارد و در حل اختلافات احتمال تفسیر ماده به نحوی که تعهد مطلق بر طرفین بار شده است را از بین می‌برد. بدین ترتیب پیشنهاد می‌گردد که این ماده به‌گونه زیر اصلاح گردد:

«هر یک از طرفین متعاهدین متعهد می‌شوند که حسب تقاضای طرف متعاهد دیگر اشخاصی را که از طرف مقامات صلاحیتدار طرف متعاهد درخواست‌کننده به لحاظ ارتکاب جرم یا برای اجرای مجازات تحت پیگرد بوده و در قلمرو وی یافت می‌شوند؛ با رعایت مواد این موافقتنامه به طرف متعاهد دیگر مسترد دارد».

۲. ماده (۲) موافقتنامه از دو قسمت تشکیل شده است که به بیان موارد استرداد می‌پردازد.

- بند «الف» در بیان موردی که اتهام ارتکاب اعمالی وارد شده، دو شرط قائل گردیده است:
- جرم بودن عمل براساس قانون هر دو طرف متعاهد،
- داشتن حداکثر مجازات یکسال حبس.

این بند از آن جهت ناقص است که هیچ اشاره‌ای به مجازات‌های سنگین‌تر نمی‌کند و جای این پرسش را باقی می‌گذارد که اگر مجازات جرم اتهامی مجازاتی مثل اعدام و یا قصاص باشد، آیا استرداد امکانپذیر است؟! به نظر می‌رسد در بند «۱» برای رفع ابهام باید اصلاحاتی به شیوه زیر انجام گیرد.

الف) تقاضای استرداد به لحاظ ارتکاب اعمالی است که مطابق قانون هر دو طرف متعاهد جرم محسوب شود و حداکثر مجازات آن یکسال حبس و یا بیشتر^۲ و یا مجازات سنگین‌تری غیر آن باشد.

در بند «ب» استرداد محکومان مورد توجه قرار گرفته است. این بند میزان محکومیت حداقلی را برای استرداد در نظر گرفته است تا مشابه مورد بالا فقط موارد مهم مورد تقاضای استرداد قرار گیرند. اما اشکال آوردن قید میزان مجازات است که اساساً مربوط به موضوع نیست. براساس این جمله « مجازات جرم ارتكابی از مدت مذکور در بند «الف» این ماده بیشتر نباشد» زائد است.

۳. ماده (۳) به بیان موارد امتناع از استرداد می‌پردازد.

- بند «۱» بیان می‌دارد: «شخصی که استرداد او تقاضا شده است در زمان ارتکاب جرم، تبعه طرف متعاهد درخواست‌شونده باشد» در مورد ایرادات وارد بر این بند در بالا (در قسمت آثار لایحه) بحث صورت گرفت. به جهت جلوگیری از تکرار مطلب و با تأکید بر اینکه مشکل ما بیشتر اتباع افغانستان هستند که در ایران مرتکب جرم و جرائمی می‌شوند. در موضوع استرداد مجرمین هیچ‌گاه استرداد اتباع پذیرفته نشده است و حتی قطعنامه شورای امنیت در مورد استرداد اتباع (پرونده لاکربی) و رأی صادره توسط دیوان دادگستری بین‌المللی در مورد اجرای قطعنامه شورای امنیت که براساس فصل هفتم منشور صادر شده بود، مورد انتقاد است. اما راهکار در نظر گرفته شده برای اجرای عدالت و جلوگیری از بی‌کیفر مانی در این موارد ایجاد تعهد برای کشور متبوع در محاکمه و مجازات فرد متهم می‌باشد. براساس این پیشنهاد می‌گردد این بند به شیوه زیر اصلاح گردد.

«شخصی که استرداد او تقاضا شده است در زمان ارتکاب جرم، تبعه طرف متعاهد درخواست‌شونده باشد. چنانچه درخواست استرداد شخصی بر مبنای این بند رد گردد، کشور درخواست‌شونده موظف است در صورت تقاضای طرف متعاهد دیگر پرونده را جهت رسیدگی به جرم مورد تقاضای استرداد به مقامات صالح کشور خود ارجاع دهد».

۴. براساس ماده (۷) درخواست بازداشت موقت شخص مورد نظر در موارد فوری پیش‌بینی شده است. این بند با ایراد مواجه است که در هیچ جای آن پیش‌بینی نشده است که در موارد فوری نیز برای جلوگیری از سوءاستفاده لازم است که تقاضای بازداشت موقت ابتدا توسط مراجع صلاحیتدار کشور درخواست‌کننده به عمل آمده باشد و تنها ارائه بقیه مدارک به بعد موکول گردد.

پیشنهاد

با توجه به مراتب فوق پیشنهاد می‌گردد این لایحه با انجام اصلاحات ذکرشده مورد تصویب قرار گیرد که با توجه به دو جانبه بودن آن تعهد دولت به مذاکره مجدد آن‌را به همراه خواهد داشت.

1. Revised Manuals on the Model Treaty on Extradition, UNDOG, 2002, p. 7.

۲. عبارت (Maximum Period of at Least one Year) در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.